

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - 31 جولای 2012

باش تا خیمه زند دولتِ نیشان و ایار!!!

نمیدانم که در کدام صنف بوده، مگر در یکی از صنوف بالا بوده؛ صنف هشت و نه و یا ده و شاید هم یازده و دوازده. در هر صورت ضمن قصیده شاهوار استاد سخن حضرت سعدی شیرازی، این بیت را خوانده بودیم:

این هنوز اول آثار جهان افروز است

باش تا خیمه زند دولتِ نیشان و ایار

و همین ورشن را تا به امروز به حافظه سپرده بودم. تا اینکه امروز صبح وقت، وقتی از خواب برخاستم، دیدم که خدائی همین بیت را زمزمه میکنم. آن را شگون نیک گرفته با خود گفتم، چه میشود که این بیت را بهانه قرار داده و سطری چند بنگارم؛ آخر هفته هاست که برای پورتال عزیز و دوست داشتنی ما "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" قلم نزده ام؟؟؟

در دم اول مطمئناً بیادم نیامد که این بیت از سعدی شیرازی ست، پس رجوع کردم به پالیدن و چه مأخذی بهتر است در زمینه، غیر از "امثال و حکم دهخدا"؟؟؟ روان علامه دهخدا شاد باد که عمر عزیز خود را صرف تألیف و جمع آوری آثار شاندار و نافع کرد و ما امروزیان و آیندگان نیز، از ثمره دسترنجش استفاده ها همیکنیم. مگر همین که گوینده این بیت را یافته و فهمیدم که سعدی شیرازی ست که چنین نغز بیان فرموده، با تعجب دیدم که دهخدا این بیت را طوری دیگر قید کرده است؛ غیر از آنچه در بالا آوردم و همین صورت را از آوان مکتب حبیبیه بخاطر سپرده بودم.* پس کلیات سعدی را باز کردم و قصیده متضمن این بیت را در ردیف قصائد، یافتم. یافتم و دریافتم

که همان ورشن بالا با چاپی که آقای عباس اقبال آشتیانی در دیماه (ماه دلو) سال 1316 از پاریس بر آن مقدمه نوشته بود، در مطابقت کامل است. (چاپ مهارت، چاپ دوم - سال 1369)

بدین هم اکتفاء نکرده و دو چاپ دیگر کلیات سعدی را که در اختیار دارم، باز کردم، که هر دو از روی نسخه تصحیح شده مرحوم ذکاء الملک محمد علی فروغی ترتیب گردیده اند. در یکی ازین دو نسخه که قدیمیتر است و آن را در آگست سال 1984، ضمن سفر دومم به ایران خریداری کرده ام، بازهم کلمه مورد منازعه را "آثار" یافتم، نه مطابق ثبت علامه دهخدا، "نوروز"!!! متأسفانه که این نسخه مطابق به ستندرد امروزی تاریخ طبع ندارد و فقط آن را مربوط "انتشارات کتابفروشی موسی علمی - بازار بین الحرمین" ثبت کرده اند. نسخه سومی که بازهم از روی نسخه تصحیحی مرحوم محمد علی فروغی در سال 1374 از طرف "نشر آروین" در چاپخانه تک طبع شده است، کلمه مورد نظر را "آزار" ثبت کرده، که یقیناً اشتباه تایپ و چاپ است، چون کلمه "آزار" درین بیت اصلاً معنی نمیدهد!!!

به هر صورت در "شهر خربوزه طبع کتب" هم همان مثل معروف "هر سر او بل خیال" پشتو کاملاً صدق میکند. گویا در مطابع مجهز ایران - با وجود پرسونل ورزیده و مجرب آن دیار نیز - ازین نمط بی نظمیها فراوان مشاهده میگردد و من این رقم بی سر و سامانی و "سر به دل خودی" و "هر دم خیالی" را در کتب دستداشته ام که هشتاد تا نود درصد چاپ ایران اند، فراوان دیده ام.

"نیسان" و "آیار" از ماههای سُرِیانی اند، که به حساب ما و بحساب عربی "ثور" و "جوزا" شوند. نمیدانم چرا از کلمه "نیسان" خوشم می آید؟؟؟ فکر میکنم این کلمه واقعاً ساخت زیبا دارد و گویا از شَرَنگ و طنینش خوشم می آید. شاید هم علاقه من بدین لغت بدین سبب باشد، که از زمانه های بس قدیم نام "نیسان" و "حیدر جان نیسان" به گوشم آشنایند. همیشه وقتی پدر مرحومم از دوستان خود نام میبرد، "جان" را پیوند حتمی نام ایشان میساخت؛ و بر همین سبیل بود که "محمد حیدر نیسان" را همیشه "حیدر جان نیسان" میگفت و یا دوست دیگر خود "صالح ایوبی" را "صالح جان". جناب "نیسان" که نویسنده و شاعر ظریف، نقاد و خوش کلامی بود، مدتی در "دارالتحریر شاهی" یعنی در ملحقات دفتر تحریرات ظاهر شاه، مصروف وظیفه بود. به همین سبب با پدر مرحومم که نیز از زمانه های قدیم و از زمانی که یادم می آید، مأمور و باصطلاح فیشنی ایران "کارمند" آن دفتر و دیوان بود - تا روزی که رخ در نقاب خاک کشید، و در اعلان فوتی، آن بزرگمرد ادیب و فاضل را بحیث "مدیر قلم مخصوص دارالتحریر شاهی" نوشته بودیم - دوستی و صمیمیت داشت. وقتی مراسم فاتحه گیری آن مرحوم در مسجد "شاه دوشمشیره" برپا بود، در صف فاتحه گیران و در پهلوی برادر بزرگترم "انجنیر عبدالله معروفی" - که روانش شاد باد - جناب حافظ نور محمد

خان کهگدای جای گرفته و با وجود کبر سن از فاتحه دهندگان با کمال صمیمیت و اخلاص و همان قسمی که مرسوم ملک ماست، استقبال میکردند.

و خوب یادم است که پانزده سال پیشتر ازین، هنگام مراسم فاتحه گیری مادرکلان مرحوم - اعنا مادر ماجد پدرم - که در مسجد جامع عاشقان و عارفان برپا گشته بود، حافظ صاحب پدرم را با چه مهربانی در آغوش گرفته، تسلی میداد و ابراز همدردی و غمشریکی میکرد. مرحوم کهگدای که "سرمنشی حضور" ظاهر شاه بود، پدرم را که از زیردستان مقرّش بود، بسیار دوست داشت و همیشه او را مورد لطف قرار داده و "واحد جان" خطاب میکرد. و آخرین لطف جناب کهگدای بزرگوار همین بود که خود را بحیث یکی از بازماندگان پدر مرحوم شمرده و حین فاتحه گیری در صف ما برادران و نزدیکترین بازماندگان پدرم، قرار داده بودند.

حافظ نور محمد خان کهگدای انسانی بودند سخت فاضل، ادیب، شعر دوست و شعر شناس و آگاه از مسائل گذشته و جزئیات تاریخ سرزمین محبوب و مقدس ما افغانستان. یادداشتهای آن مرحوم را که در مجله "درد دل افغان" به سرپرستی جناب سراج الدین و هاج نشر میشدند، همیشه با ولعی عجیب و به صد شوق تمام میخواندم و لحظاتی را زیر شعاع آن خاطرات و یادداشتهای جالب با فرحت خاطر و حظ کامل بسر میبرد. حافظ صاحب مرحوم خطی بسیار خوش و زیبا نیز داشتند و وقتی یادداشتهای سکن شده ایشان در "درد دل افغان" از نظرم میگذشت، بر خط مرواریدگون ایشان آفرین میگفتم.

از مدتی ست که این یادداشتهای را تایپ شده در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نیز نشر میکنند؛ و با تأسف با صدها اشتباه املائی و بعضاً انشائی نیز، که یقیناً ماحصل قلم خود مرحوم کهگدای بوده نمیتواند!!!

قابل یاددهانی میدانم که توصیف و تمجید شخصیت ادبی و فرهنگی اراکین و بلندپایگان دوران ظاهرشاه، معنای تأیید شخصیت سیاسی ایشان را ندارد!!!

توضیح:

* - "باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار" مصراع دوم بیتی از قصیده بهاریه حضرت شیخ اجل سعدی ست، که بس دلپذیر است و بی مانده. علامه علی اکبر دهخدا در جلد اول "امثال و حکم" خود (صفحه 340 - چاپ هفتم، 1370، چاپخانه سپهر، تهران) مصراع اول این بیت را این طور می آرد:

"این هنوز اولِ نوروز جهان افروز است"

با وجودی که "نوروز" و "جهان افروز" تناسب قشنگ لفظی بهم رسانده و همخوانند، مگر این ورژن از جهات مختلف ارتباط منطقی موضوع را نقض میکند. اما علامه دهخدا علامه است و فارغ از قید و بند، در بسا ابیات بزرگان ازین تصرفات بی مورد روا داشته است. نگوئید که بدون دلیل نقل قول یک علامه کم نظیر را تخطئه میکنم؛ پس به سطور آتی نظر افکنید و لحظاتی خاطر عاطر تان را رنجه فرمائید:

– اول این که "نوروز" فقط یک "روز" است و "اول و دوم" ندارد. با آن هم اگر "اولِ نوروز" بگوئیم معنای این را دارد، که گویا از "صبحِ نوروز" سخن میگوئیم، که پیامد کلام منطقاً باید حکایتگرِ "آخرِ نوروز"؛ یعنی "بعد از چاشت" و "پیشین" و "دیگر" همان روز هم باشد، که چنین نیست!!! و اگر فرض کنیم که حضرت سعدی به قوت ولایت خود، "نوروز" را مطابق به رسم امروزی ایران "سیزده روز" دریافته بود، تکلیف دو ماه "ثور" و "جوزا" چه میشود، که با این سیزده روز نمیخوانند؟؟؟

– چنان که بینیم در مصراع دوم حدیث از "نیسان و ایار" یعنی "ثور و جوزا" رفته است که متعاقباً دو ماه بعد از ماه "حمل" اند، و "نوروز" را مطابق به روایت "علامه دهخدا" به حیث "اول حمل" – یعنی فقط "یک روز" – تحمل کرده نمیتوانند!!! و به عبارت دیگر:

"نوروز" فقط یک "روز" است و گنجایش پذیرفتن حتی یک "روز" دیگر را هم ندارد، چه رسد به اینکه این "روز" را "فصل" پنداشته و بخواهیم دو "ماه" تمام را در آن بگنجانیم!!!!!!

(برلین – صبحگاهان 29 جولای 2012)

تکمله تصحیحی:

بعد از نشر این مقاله دوست دانشور، بسیار دلسوز و ارجمندی ضمن تماس تلفونی، یادآوری کرد که بزرگترین و ساده ترین مرجع یافتن سراینده و شاعر شعری، خود گوگل Google است که وقتی بیتی را بزبان دری و فارسی در اختیارش بگذاریم، فوراً منظومه و شعر مکمل آن را با سراینده اش بیرون می افکند. و عملاً هم این کار را کردیم و دریافتیم که گوگل واقعاً مُمد و مرجع نافع و بی جنجالی در زمینه میباشد.

آن دوست در همین گوگل ضمن یکی از چاپهای دیگر "امثال و حکم دهخدا" بیت مورد منازعه را این طور یافته بود:

این هنوز اولِ آذار جهان افروز است
باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار

و چون "آذار" به سریانی "ماه حمل" را گویند، معنای بیت چنین میشود:

این هنوز اول ماه حمل است، باش تا ماه ثور و جوزا خیمه فروه‌لند!

با این تبیین مستدل و بررئیت اینکه "آذار" و "نیسان" و "ایار" هر سه کلمات سریانی میباشند، میبینم که اصل آن کلمه مورد مناقشه باید همین طور بوده باشد، که به مرور ایام در دست استنساخگران و نسخه گیران چنین لوت و پلوت خورده و اشکال کج و معوج مختلف را بخود گرفته است. در چاپی که کلمه مورد مناقشه را "آزار" ثبت کرده است، در حقیقت امر "آذار" را بر اثر اشتباه تایپ "آزار" نوشته اند.

و آخرالامر بدین نتیجه میرسیم که کلمه مورد مناقشه، نه "آثار" است و نه "نوروز" و "آزار"، بلکه "آذار" است که در معنای "ماه حمل" بوده و مفهوم بیت را درست و دقیق افاده میکند. بدین وسیله از آن دوست ارجمندم قلباً سپاسگزارم که بر موضوع روشنی انداخت و آنچه را در طول دهه های متوالی اشتباهاً ثبت آرشیف حافظه کرده بودم، تصحیح فرمود!!!

در همینجا میخواهم سعی بلیغ دانشمندان پرکار و دلسوز ایرانی را خاضعانه بستانیم، که زحمات فراوان را متقبل گردیده و اشعار مکمل شعرای نامدار قدیم و جدید فارسی و دری را ثبت دفتر انترنت کرده و خدمتی بدون اجر – و باصطلاح کابلی "بی مجرا" – ولی شاندار را در پای شعر و ادب و فرهنگ زبان دری/فارسی، ریخته اند.

(برلین – پنچشنبه، دوم آگست 2012)